

نظامهای سیاسی و حکومتها در جستجوی رسیدن به آرمانها و اهداف خاص خودشان نیاز به گزینش راه و روشها، برنامه‌ها، سیاستها و تصمیماتی دارند که معمولاً از طریق بازوهای متناسب با آنها بسوزد اجرا گذاشته میشود و در سطح جامعه و فضای سرزمینی عینیت پیدا میکند. این بازوها عموماً در قالب واحدهای رسمی اداری که معمولاً به وزارتخانه‌ها، سازمانها، مؤسسات و نهادها موسوم شده‌اند شکل گرفته‌اند. واحدهای اداری مزبور از اجزاء و عناصری چون نیروی انسانی، تشکیلات، بودجه، تجهیزات، مقررات و ضوابط ویژه و یا عمومی تشکیل شده‌اند که نیروی انسانی بنیون خود نقشهای متفاوتی مانند مدیریت، کادریهای کارشناسی، کادریهای خدماتی و غیره را شامل میشود. هر یک از عناصر یاد شده در یک حرکت همگانی و هماهنگ در شکل یافتن و چگونگی فعالیت و انجام وظایف مربوط به اجرای سیاستها و برنامه‌ها و تصمیمات حکومت، و نیز در شکل‌گیری اقدامات و تصمیمات و سیاستها و برنامه‌های حکومت، نقش خود را بانجام میرسانند، طبیعی است که نقش نیروی انسانی در شکل مدیریت و کارشناسی از بقیه عناصر مهم‌تر است.

نظامهای سیاسی و حکومتی بالاخص نظامهایی که بدنبال آرمانهای خویش میباشند در جستجوی رسیدن به اهداف خاص خود سعی میکنند بازوهای اجرایی یعنی واحدهای اداری و رسمی و عناصر آنها را بگونه‌ای شکل دهند که تناسب لازم را با حکومت داشته باشند. یعنی گزینش و تربیت نیروی انسانی مدیریت و کارشناسی و انتخاب الگوی سازماندهی و تنظیم مقررات ویژه و عمومی و تنظیم روابط آنها با یکدیگر و سایر مسائل، در جهت انجام می‌پذیرد که واحد اداری به تصمیمات حکومت اعتماد و ایمان داشته و کارائی لازم را برای اجرای آن داشته باشد. البته این امر نسبی است و حکومتها کمتر توانسته‌اند واحدهای اداری و بازوهای اجرایی متناسب با خود را شکل دهند ولی سعی و تلاش آنها چنین است.

بدیهی است که واحد اداری و بازوی اجرایی که به تناسب یک نظام حکومتی بوجود آمده و پرورش یافته نخواهد توانست بطور کامل خود را با نظام حکومتی دیگری که آرمانها و اهداف خاص خودش را دارد تطبیق دهد و یا اگر چنین امری



# نهادهای انقلاب اسلامی میراث حضرت

شکوه علوم اسلام امامت فقهی رسالت (قدس سره) آن

محمد رضا حافظ نیا

مقدور باشد به زمان نسبتاً چشم‌گیری برای تحول آن از حالت اول به حالت دوم نیاز خواهد داشت. و از این گذشته بفرض اینکه حکومتی از خود خویشش داری نشاندهاده و برای تغییر وضعیت بازوهای اجرایی متناسب با نظام حکومتی دیگر و تطبیق آنها با آرمانها و اهداف و ارزشهای خود، فرصت زمانی مناسبی قائل شود ولی نخواهد توانست بطور کامل آنها را اصلاح نموده و با خود متناسب گرداند.

هر چند در پی هر تحول و تغییر اجتماعی و یا

بروز انقلاب در جامعه، نظام حکومتی جدید در اولین اقدامات خود سعی بر جایگزینی نیروی انسانی مدیریت در رده‌های بالا و میانی واحدهای اداری و نظام اجرایی می‌نماید ولی این امر چون محدود به تغییر وضعیت بخشی از مدیران و یا حتی تمام مدیران می‌باشد و سایر عناصر نظام اجرایی از قبیل کادریهای کارشناسی که ارکان نظام اجرایی هر کشوری و حکومتی را تشکیل میدهند و نیز ساختار اداری و مقررات و قوانین ویژه و عمومی آن دست نخورده باقی می‌ماند، انقلاب اجتماعی و حکومت جدید نخواهد توانست بازوهای اجرایی متناسب با خود را شکل دهد و وقتی بازوی اجرایی متناسب با خود را نداشت طبیعی است که نباید انتظار اجرای سیاستها و برنامه‌ها و تحقق اهداف و آرمانها و ارزشهای خود را داشته باشد. از این گذشته ساختار نظام اجرایی حکومت گذشته، که فرهنگ خاص خود را دارد، چون دست نخورده باقی می‌ماند نه تنها نمی‌تواند اهداف و آرمانها و سیاستها و برنامه‌های حکومت جدید را که از طریق مدیران جایگزین شده به آن عرضه میشود درک و جذب نماید بلکه بیشتر اوقات در مقابل آن از خود مقاومت و ایستادگی نشان میدهند و حتی بر سیاستها و برنامه‌های مدیران جایگزین شده تأثیر میگذارد. بقای ساختار نظام اجرایی گذشته منجر به تقویت افتد آن شده و فرهنگ خود را ندرجاً بر فرهنگ و ارزشها و آرمانها و اهداف حکومت جدید تحمیل نموده و حکومت جدید را وادار به عقب‌نشینی از مواضع و ارزشها و آرمانهای اولیه خود خواهد نمود که نهایتاً به استعالت انقلاب و ارزشها و آرمانهای آن خواهد انجامید. این واقعیت دردناک، سرنویشت غالب انقلابات اجتماعی است که در یک قرن اخیر در جوامع جهان سوم انجام پذیرفته و به استعالت انقلاب آنها منجر شده است.

انقلاب اسلامی تنها یک انقلاب اجتماعی که منجر به تغییر رژیم سیاسی بگردد نبود بلکه انقلابی بود که با خود محتوای غنی فرهنگی به‌همراه داشته و رسالت تحول فرهنگی عظیمی را در همه ارکان و زوایای جامعه بعهده داشت به تعبیر بیانگذار انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی (قدس سره الشریف) انقلاب پیشبرد همان چیزی که در سابق بوده نیست بلکه تحول و دگرگونی در آن است لذا بطریق اولی می‌بایست بازوهای اجرایی متناسب با خود را برای

نظام حکومت اسلامی شکل دهد که ساختار این بازوها و عناصر شکل دهنده آن بگونه ای باشد که ارزشها، آرمانها، اهداف انقلاب اسلامی را درک و جذب نموده و به آن ایمان و تعهد داشته و کارائی لازم را برای اجرای سیاستها و برنامه های آن داشته باشد.

رهبری انقلاب اسلامی حضرت امام خمینی رضوان الله تعالی علیه که از دید استراتژیکی عمیق و وسیعی در همه زمینه ها برخوردار بود، در این زمینه نیزه اندیشه تجهیز نظام جمهوری اسلامی به بازوهای اجرایی خاص خود را طرح کرد و با اتخاذ استراتژی ایجاد و تقویت نهادهای انقلاب اسلامی، بازوهای اجرایی نظام را شکل داد و به زمامداران و سیاستگذاران نظام و نیز به ائتلافی و همیشه در صحنه ایران و به خود نهادها گوشزد کرد که اینها باید بدانند و بایند تقویت شوند، و خود نیز تا آخرین لحظه حیات خویش با قدرت تمام پشتیبان نهادهای انقلاب اسلامی بود. حضرت امام «قدس سره» به سازمانها و دستگاههای اجرایی ستی که از رژیم پیشین باقی مانده بودند خویشان دارانه فرصت زمانی داد تا بتدریج از هر حیث خود را با ارزشها و آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی تطبیق داده و تناسب لازم را برای تحقق آنها و اجرای سیاستها و برنامه های حکومت اسلامی پیدا نمایند. حضرت امام «رحمة الله علیه» دقیقاً به اهمیت این مسئله واقف بودند که چون قرار است انقلاب اسلامی با قدرت به پیش رود و اهداف و آرمانهای خود را تعقیب نماید، خطر استعجال شدن آن توسط نظام اجرائی رژیم پیشین و یا خطر سقوط آن در اثر فشارهای استکبار جهانی وجود دارد برای جلوگیری از این خطر بازوهای اجرایی خاص و متناسب آن لازم مینمود و لذا دلیل عمده شکل گیری نهادهای انقلاب اسلامی همین ضرورتها بوده است.

امام خمینی (ره) با بسیان گذاردن نهادهای انقلاب اسلامی در واقع بنیانهای نظام حکومت جهانی اسلام را بنا نهاد و الگوی سیستم مبتنی بر جهان بینی اسلام ناب محمدی (ص) را به جهانیان معرفی نمودند. ذکر بخشهایی از آخرین پیامهای امام خمینی (ره) که بیانگر بیش آن امام فقید نسبت به ارگانها و نهادهای انقلاب است و باید همواره نصب العین تمامی نیروهای این نهادها قرار گیرد و همواره پاسدار این وصایای بنیانگذار انقلاب و نهادهای آن

باشند، لازم میآید. امام خمینی (ره) در آخرین پیام خود به جهادگران جهاد سازندگی از جهاد و خطی که باید در پیش بگیرد اینگونه یاد کردند:

«زحمات بی وقفه جهاد، این سنگسازان بی سنگر، در دفاع مقدس از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی گنجد عشق جهاد در خدمت به اسلام و مردم چشم دل عشاق خدمت به دین و مردم را روشن نموده است... جهاد شامل دنیای آزادی و استقلال در عرصه کار و تلاش و بیکار علیه فقر و تنگدستی و زوال و ذلت است. فرزندان عزیز جهادیم به تنها چیزی که باید فکر کنید به استواری پایه های اسلام ناب محمدی صلی الله علیه و آله وسلم است... اسلامی که پرچمداران آن با برهنگان و مظلومین و فقرا و جهانگرد و دشمنان آن، ملحدان و کافران و سرمایه داران و بول پرستانند. اسلامی که طرفداران واقعی آن همیشه از مال و قدرت بی بهره بوده اند و دشمنان حقیقی آن زراندوزان حیله گر و قدرت مداران بازیگر و مقدس نمایان بی هنرنده، شما عزیزان با خدمات شایسته خود در پشت جبهه ها، جبهه جبهه ها، دل امام زمان روحی له الفداء را شاد کرده اید. امیدوارم از سیاست صحنه های سخت نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی عبور کنید که اگر ایران را بر پایه استقلال واقعی پایه ریزی نکیم هیچ کاری نکرده ایم چشم امید من به شما سازندگان پرشور و نشاط اسلامی است...»

(نامه امام خمینی (ره) بدون تاریخ است ولی این نامه در آذرماه ۶۷ انتشار یافته است).

در آخرین پیام به بیخ:

«... شما در جنگ تحمیلی نشان دادید که با مدیریت صحیح و خوب میتوان اسلام را فاتح جهان نمود. شما باید بدانید که کارتان بیابان نرسیده است. انقلاب اسلامی در جهان تیزرند فداکارهای شما است و مسئولین تنها با پشتوانه شما است که می توانند به تمامی تشنگان حقیقت و صداقت انبیا کنند که بدون امریکا و شوروی می شود به زندگی مسالمت آمیز توأم با صلح و آزادی رسید... من دست یکایک شما پیشگامان رهایی را می بوسم و میدانم که اگر

مسئولین نظام اسلامی از شما غافل شوند به آتش دوزخ الهی خواهند سوخت...»

«... مهمترین عامل در کسب خود کفائی و بازسازی، توسعه مراکز علمی و تحقیقات و تمرکز و هدایت امکانات و تشویق کامل و همه جانبه مخترعین و مکتشفین و نیروهای متعهد و متخصصی است که شهادت مبارزه با جهل را دارند و از لاک نگرش انحصاری علم به غرب و شرق به در آمده و نشان دادند که می توانند کشور را روی پای خود نگهدارند. انشاء الله این استعدادها در بیخ و خم کوجه های اداره ها خسته و ناتوان نشود...»

«... من بطور جد و اکید میگویم که انقلاب و جمهوری اسلامی و نهاد مقدس سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که بحق از بزرگترین سنگرهای دفاع از ارزشهای الهی نظام ما بوده و خواهد بود به وجود یکایک شما نیازمند است چه صلح باشد و چه جنگ... انقلاب اسلامی هنوز سالها و ماههای تعیین کننده دیگر در پیش خواهد داشت که واجب است پیش کسوان جهاد و شهادت در همه صحنه ها حاضر و آماده باشند و از کید و مکر جهانخواران و آمریکا و شوروی غافل نمانند حتی در شرایط بازسازی نیروهای مسلح باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد...»

نهادهای انقلاب اسلامی عموماً خصلتهای مثبتی را در خود شکل داده اند که از خصلتهای انقلاب اسلامی منشأ گرفته است و این همخوانی بهترین دلیل تناسب نهادهای انقلابی با نظام اسلامی است که میتوانند بازوهای صادقی و وفائی برای اجرای سیاستها و برنامه ها و تحقق ارزشها و آرمانهای آن باشند. خصلتهای مثبت نهادها متعددی که بعنوان نمونه

نهادها و ماههای تعیین کننده دیگر در پیش خواهد داشت که واجب است پیش کسوان جهاد و شهادت در همه صحنه ها حاضر و آماده باشند و از کید و مکر جهانخواران و آمریکا و شوروی غافل نمانند حتی در شرایط بازسازی نیروهای مسلح باید بزرگترین توجه ما به بازسازی نیروها و استعدادها و انتقال تجارب نظامی و دفاعی به کلیه آحاد ملت و مدافعان انقلاب باشد...»

میتوان از موارد ذیل یاد کرد:

۱- احساس تعلق به مردم: که روح فردی و جمعی کارکنان نهادها را تشکیل میدهد و آنها خود را از متن جامعه و مردم، بویژه قشر محروم و مستضعف میدانند. وجود این روح در رفتار سازمانی آنها برای خدمتگزاری به محرومین تأثیر زیادی دارد.

۲- قناعت و ساده زیستی که روح حاکم بر رفتار و کردار و علائق کارکنان نهادها بوده و بدور از تشریفات زاید و رفتارهای لوکس مآبانه، هم زندگی شخصی خود را شکل داده اند و هم در انجام وظایف سازمانی خود آنرا به نمایش گذاشته اند.

۳- پرهیز از بوروکراسی و پیچیدگیهای اداری و مالی که بر سیستم اجرایی دولتی حاکم است (توضیح اینکه متأسفانه فرهنگ بوروکراسی نظام اجرایی رژیم گذشته بطور ناخواسته و تدریجی به قلمرو نهادها کشیده میشود).

۴- عشق و علاقه به خدمتگزاری به محرومین و مستضعفین جامعه.

۵- خصلت پویایی و تحرک در انجام امور و پیشبرد کارها و حل مشکلات مردم.

مسأله دیگری که قابل اهمیت است آمیختگی مردم با نهادها که در قالب کارکنان نهادها خود را به نمایش گذاشته است باعث گردیده که مردم، نهادها را از خود بدانند و بهمین دلیل در مقام مقایسه با دستگاههای اداری سنتی ما شاهد پناه بردن مردم برای حل و فصل امورشان به نهادها بوده و هستیم.

نهادهای انقلاب اسلامی در راستای فلسفه وجودی خود بحق خدمات ذیقیمتی را به انقلاب اسلامی و جامعه، و اوقات اسلامی ایران انجام دادند. همگی آنها خود را در حفاظت و حرمت از انقلاب اسلامی و تجلی تفکر و اندیشه اسلامی در جامعه مشوک و ملزم میدانند و تاکنون اینگونه عمل کرده اند. آنها خود را مدیون ائمه حزب الله و انقلابی ایران، مستضعفین و محرومین جامعه دانسته و در جستجوی راه و روشهای خدمتگزاری به آنان تلاش می نمایند.

خدمات سازنده سپاه پاسداران و بسیج سپاه در حفاظت از دستاوردهای انقلاب اسلامی در مقابل فشارهای سیاسی و نظامی و امنیتی استخبار جهانی، از داخل و یا خارج از کشور برای سقوط آن، بالأخص هجوم و حشبانه رژیم بعث عراق که

با هشت سال مقاومت و ایثارگریهای پاسداران انقلاب و بسیجیان از جان گذشته همزاد بوده و هست، برکسی پوشیده نیست.

کمیته انقلاب اسلامی بعنوان اولین نهاد انقلاب اسلامی در حفظ انقلاب و نیز پاکسازی جامعه اسلامی و انقلابی از آلودگیهای اجتماعی و اخلاقی و سیاسی امری بدیهی است.

اقدامات مثبت و قاطع دادگاه انقلاب اسلامی در مجازات مجرمین و وابستگان به استخبار جهانی که باعث بدبختی و بیچارگی و عقب افتادگی این کشور شدند و نیز مجازات چپاولگران اموال و ثروتهای عمومی و سایر خاطیان و ضد انقلابیونی که پرورش یافته گهواره های استخبار و امپریالیسم جهانی بوده و با آرمان جامعه انقلابی و اسلامی به مقابله برخاسته اند در خور تقدیر است.

خدمات نهاد سازندگی، بنیاد مسکن و نهضت سوادآموزی در ارائه خدمات اجتماعی و آموزشی و رفاهی و عمرانی به اقشار محروم و مستضعف جامعه بویژه روستائیان و عشایر عزیز که در سیستم اجرایی سنتی باقی مانده از رژیم گذشته جانی نداشتند زبانه زد همگام است.

وجود نهادهایی همچون بنیاد شهید انقلاب اسلامی، بنیاد ۱۵ خرداد و کمیته امداد امام که هر کدام از آنها توسط بنیانگذار انقلاب پایه گذاری گردیده خدمات شایان توجهی را تاکنون به انجام رسانده اند.

خدمات دانشگاه تربیت مدرس بعنوان یک نهاد علمی و انقلابی که برای ابراهیمی تضمینات ستاد (شورای عالی) انقلاب فرهنگی تأسیس گردید، در تربیت اساتید و مدیرین و اعضاء هیئت علمی متعهد برای دانشگاههای کشور اهمیت زیادی دارد چرا که نقش اساسی را در جهت دادن به نظام علمی و آموزشی کشور در راستای ارزشها و آرمانهای انقلاب اسلامی بعنوان استراتژی انقلاب فرهنگی بازی می نماید.

«همه نهادهای انقلابی که ذکر شدند و یا آنها نیکه نام برده نشدند جلگی کمر همت بسته اند که از انقلاب اسلامی بعنوان آرمان است مسلمانان ایران و نیز استقلال کشور پاسداری نموده و از افتادن کشور به دامان استخبار جهانی جلوگیری کرده و به محرومان و مستضعفان خدمت نموده و طریق رشد و توسعه اعتلای ایران اسلامی

را بیابند».

در پایان بیان چند نکته ضرورت دارد:

۱- با توجه به فلسفه وجودی نهادهای انقلاب اسلامی و نقشی که در حرمت از انقلاب اسلامی و تحقق آرمانها و ارزشها و اهداف آن داشته و اینکه بازوهای اجرایی متناسبی برای حکومت اسلامی هستند لازمت با تمام وجود نهادها تقویت شده و بالندگی آنان نداوم باید. ناگفته نماند که بقای انقلاب اسلامی و حفظ اصالت آن و جلوگیری از استحاله شدن و یا سقوط نظام بمقدار زیادی در گرو حضور فعالانه و بالنده نهادهای انقلاب اسلامی میباشد.

۲- باید به شدت مراقب جریان خطرناک تقویت فرهنگ مسلط بر سیستم اجرایی رژیم پیشین بود که از مشخصه های آن بوروکراسی پیچیده، عدم کارایی، وابستگی زانی به نظام استخبار جهانی، اشرافیت و عدم اعتناء به محرومین و مستضعفین، تقابل با ارزشهای نظام اسلامی و غیره است و می بایست نه تنها از تجدید حیات و تقویت آن در دستگاههای اجرایی باقی مانده از گذشته جلوگیری کرد بلکه باید مانع گسترش قلمرو آن به درون فضای انقلابی نهادها شد.

۳- برای اداره کشور و حل مسائل و تحقق آرمانها بویژه خدمت به محرومین و مستضعفین، و اتخاذ مشی مترقی و پویا و جهشی برای بالندگی و ریشه و توسعه کشور و خود اتکالی علمی و تکنولوژیکی و اقتصادی آن، تکیه حیاتی به روح انقلابی و ایثارگرانه موجود در نهادها میباشد. بنابراین نه تنها باید این روح در نهادها بشدت تقویت شود بلکه سیستم اجرایی سنتی دولتی نیز باید از این جهت خود را همرنگ نهادها بنماید.

۴- نهادهای انقلاب باید توجه داشته باشند که طراوت آنها در حفظ خصلتهایی است که از اول پیروزی انقلاب اسلامی داشتند، در واقع خصلتهایی که از خصلتهای انقلاب منشأ گرفته بود و باید آنها را پاس بدارند و از تشریفات و تجملات و بوروکراسی پیچیده اداری و جنبه های منفی دیگر و اساساً رنگ سیستم اجرایی پیشین را گرفتن بشدت پرهیز نمایند و تلاش گسترده ای را در جهت تقویت بنیه تخصصی و تکنیکی و تجهیز نیروی انسانی مخلص و حزب الله خود انجام دهند و مدل انسان متعهد و متخصص را ارائه دهند (کاری که دانشگاه تربیت مدرس بعنوان نهاد انقلابی و علمی انجام

میدهد) زیرا برای اداره کشور و رشد و توسعه آن در عصر امروز و فردا به تخصص های پیچیده در علوم انسانی و اجتماعی و فنی و کشاورزی و غیره نیاز میباشد.

۵- هیئت محترم دولت و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی که تنظیم کنندگان قوانین و مقررات ویژه و یا عمومی مربوط به کل نظام اجرایی کشور اعم از دستگاههای دولتی سستی و نیز نهادهای انقلاب اسلامی هستند باید فلسفه وجودی و مشخصه های نهادها و آرمان حضرت امام قدس سره را مد نظر داشته باشند و استراتژی نهادهای کردن کل نظام اجرایی کشور را در پیش بگیرند و از جریان هزینه بوروکراتیک کردن نهادها و تبدیل آنها به شبه دستگاههای اداری سستی جلوگیری نمایند. باید نظام اجرایی کشور سیستم داده شود و دستگاههای موازی کار یکپارچه شوند و بهیچانی نظام اجرایی بصورت

یک مجموعه ارگانیک و سالم و پویا شکل بگیرد ولی این سیاست باید در سایه استراتژی نهادی کردن کل نظام تعقیب شود بدین معنی که نهادهای انقلاب اسلامی اصل و محور قرار گیرند و بقیه ادارات با آن منجیده شوند و در آن ادغام گردند. و تا زمانی که دستگاههای اداری سستی و باقیمانده از رژیم گذشته خود را با ارزشها و آرمانها و اهداف نظام اسلامی تطبیق نداده و یا آمادگی پذیرش روح نهادی را با خصلتهای ویژه نهادها پیدا نکرده اند از محدود کردن و یا حذف نقش نهادهای انقلابی موازی با دستگاه اداری سستی خودداری بعمل آید. امید است انشاء الله با حفظ و تقویت نهادها و روحیه نهادی و گسترش آن به همه دستگاههای اجرایی و شکل گیری نظام اجرایی یکپارچه ... و پویا در کشور به

حرکت عمومی تلاش برای تحقق آرمانها و اهداف انقلاب اسلامی و توسعه و ریشه و خود انگاشته ایران اسلامی و انقلابی، سرعت بیشتری داده شود.

و تکلیفی را که امام خمینی (ره) بر عهده مسئولین نظام گذاشته اند یعنی:

«... به مسئولین و دست اندرکاران در هر رده نیز میگویم که شرعاً بر همه شما واجب است که همت کنید تا آخرین رگ و ریشه های وابستگی این کشور به بیگانگان را در هر زمینه ای قطع نمائید که انشاء الله خواهید کرد...»

(۱۱/۷/۱۱)

با تشکیل سیستم اجرایی انقلابی و اضمحلال سیستم بوروکراسی رژیم گذشته، تا اندازه ای باینجام رسانیم.

#### بقیه از ناهنجاریهای مادرزادی و بیماریهای ارثی

ذکر شد، مصرف مشروبات الکلی در دوران حاملگی سبب ایجاد نوزادانی با نواقص خلقی فراوان می شود بنابراین نوشیدن مشروبات الکلی به هر عنوان و هر دلیل اکیداً ممنوع است.

چون مواد شیمیایی محیط لیز می تواند برای جنین مضر باشد توصیه می شود خانمهای حامله حتماً میوه ها را قبل از مصرف خوب بشویند تا سم ضد حشرات روی میوه کاملاً از بین برود. و از غذاهائی که بصورت کنسرو ساخته شده پرهیز کنند زیرا مواد نگهدارنده داخل کنسروها می تواند برای جنین مضر باشد.

مواد پاک کننده شیشه یا در و دیواره ظرفشویی و غیره می تواند در خانم حامله مضر باشد. بنابراین خانمهای حامله نباید در معرض مواد فوق قرار گیرند.

انتقال موجودات ذره بینی بنام توکسوپلازما از گربه و سگ و خرگوش و یا خوردن گوشت گوسفند خوب پخته نشده توسط مادران حامله سبب ایجاد عوارض مغزی، جسمی و عصبی می شود.

بنابراین موقتاً توصیه می شود که خانمهای حامله از خوردن گوشت گوسفند خوب پخته نشده پرهیز کنند و نیز به همین وجه اجازه داده نشود که گربه و سگ به محیطهای زندگی و ظروف قابل استفاده منزل آنها نزدیک شوند. در مواردی که خانواده ای سگ یا گربه در داخل زندگی خانوادگی خود بصورت اهلی نگهداری می کنند حتماً هر چند وقت یکبار توسط دامپزشک از نظر ناقل توکسوپلازما مورد بررسی دقیق قرار گیرند.

نکته مهم دیگری که اثر پیشگیری در ایجاد بعضی بیماریهای مادرزادی مثل منگولیسم و کندرو دیس پلازی دارد به ترتیب سن مادر و سن پدر در موقع تشکیل لطفه است. ثابت شده است مادرانی که در موقع ایجاد لطفه سن آنها حدوداً یا بالاتر از ۳۵ سال بوده است احتمال آنکه نوزاد آنها مبتلی به سندرم منگولیسم شوند بیشتر است. و نیز پدرانی که سن آنها در موقع تشکیل لطفه بالا بوده است بیشتر سبب متولد شدن نوزادانی شده اند که مبتلی به کندرو دیس پلازی بوده اند.

#### درمان بیماریهای ارثی و ناهنجاریهای مادرزادی:

این بحث شامل قسمتهای مختلف زیر است:

الف- با روش های جدید زیر می توان پی به بیماری ارثی یا ناهنجاری مادرزادی جنین در داخل رحم برد.

۱- معاینه مایع اطراف جنین بوسیله سونوگرافی بسیار رایج.

۲- سونوگرافی و بررسی قسمتهای مختلف جنین و مقایسه آن با اندازه گیریهای استاندارد.

۳- بررسی شرح حال دقیق مثلاً بقین حاصل شود که مادر حامله در ۸ هفته اول حاملگی مبتلی به سرخچه شده است.

۴- روش های جدید دیگر.

ب- درمانهای اصلاحی بعضی نقص های مادرزادی مثل درمان جراحی بیماریهای مادرزادی قلب یا درمان جراحی ضایعات ارتوپدی، پوستی، احشائی و غیره.

ج- کنترل بعضی بیماریها مثل بیماری قند با انسولین یا داروهای کاهش دهنده قند خوراکی.

د- حذف بعضی مواد غذایی از رژیم غذایی.

مثلاً بیماریهایی که به علت کمبود آنزیم لاکتوزیسه، با خوردن شیر مبتلی به اسهال می شوند، درمان این بیماران حذف شیر از رژیم غذایی آنها (این بیماریها در نوزادان شیرخوار سبب ایجاد اسهال های ممتد و وخیم می شود و با حذف شیر معمولی اسهال قطع خواهد شد) و جایگزین کردن شیر بوسیله مواد غذایی دیگر است.